



## بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی - 8 دی / 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا محمّد و آله الطاهرین.

تبریک عرض میکنم به شما حضار گرامی و عزیز، مسئولین کشور، میهمانان مجمع وحدت اسلامی و سفرای محترم کشورهای اسلامی که در جلسه حضور دارید، ولادت باسعادت پیامبر مکرّم اسلام و فرزند بزرگوارش امام صادق (علیه السلام) را؛ همچنین تبریک عرض میکنم به همه‌ی ملت ایران و همه‌ی امت اسلامی، و به همه‌ی آزادگان عالم و آن کسانی که برای فضیلت و اخلاق و تلاش و جهاد در راه فضیلت و اخلاق ارزش قائلند.

ولادت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و همچنین بعثت آن بزرگوار، روحی بود که در کالبد دنیای مرده‌ی آن روز دمیده شد. آن دنیا بظاهر زنده بود؛ حکومتها، سلطنتها، تلاشها، فعالیتها برقرار بود، اما در آن دنیا مرگ انسانیت بود، مرگ فضیلت بود. آنچه بود جفا بود، ظلم بود، تبعیض بود، قساوت بود؛ فضیلتها مرده بود و رسول اکرم، خودش و دعوتش در آن دنیا روحی دمیدند. اینکه عرض میکنیم دعوتش و خودش، چون خود پیغمبر هم تجسم اسلام بود. از همسر مکرّم پیغمبر اسلام نقل شده است که گفت «كَانَ خَلْقُهُ الْقُرْآنَ»؛ (۲) قرآن مجسم بود. پیغمبر و دینش در آن دنیای مرده روحی دمیدند. استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم؛ (۳) حیات بود آنچه او آورد برای آن مردم و دنیای ظلمانی و مرگ زده و آفت زده.

من و شما امروز این مراسم را گرامی میداریم. خب، گرامی داشتن با زبان و با نشستن دور هم کار پسندیده‌ای است اما این، آن چیزی نیست که از من و شما مدعیان پیروی از اسلام و پیغمبر متوقع است؛ این کافی نیست. ما هم باید در صدد آن باشیم که در دنیای مرده‌ی امروز و در دنیای آفت زده‌ی امروز روحی بدمیم. امروز هم دنیا دچار ظلم است، دچار قساوت است، دچار تبعیض است. امروز هم مرگ فضیلت، عزای بزرگ آدمیان است. فضیلتها به وسیله‌ی ابزارهای قدرتهای مادی سرکوب میشوند؛ عدالت سرکوب میشود؛ انسانیت و اخلاق سرکوب میشود؛ خون انسانها به دست قدرتمندان بی‌محابا بر زمین جاری میشود؛ ملت‌هایی به خاطر غارت زده بودن به وسیله‌ی قدرتها، از گرسنگی جان میدهند. این وضع امروز دنیا است. این هم مثل همان جاهلیت دوران قبل از ظهور اسلام است؛ این هم جاهلیت است.

امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم میگوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرتها درباره‌ی بشریت فکر میکنند و عمل میکنند؛ این به معنای تصرف سرزمینها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملتها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملتها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملتها است، تا ملتها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملتها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است.



یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه‌ی مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که اروپایی‌ها در طول چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت اما خوشبختی انسانها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد؛ بعکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت‌هایی را اسیر کرد، ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند. یک سیاستمدار برجسته‌ی غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست می‌گوید؛ این تمدن ظاهر پُرزرق و برقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در آمریکا یک جور، در اروپا یک جور، در مناطق تحت سلطه‌ی اینها در سراسر دنیا هم یک جور.

امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوَاهَا بَيْنَ النَّاسِ؛ (۴) امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه‌ی مسلمین استفاده کردند، از فلسفه‌ی مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه‌ی امروز ما است.

این عمدتاً خطاب به علمای دین و روشنفکران راستین است. بنده دیگر چندان امیدی به سیاستمدارها ندارم. قبلها تصور میشد که سیاستمداران دنیای اسلام در این راه بتوانند کمک کنند، [اما] متأسفانه این امید ضعیف شده است. امروز امید ما به علمای دین در سراسر دنیای اسلام و به روشنفکران راستین [است] که غرب را قبله‌ی خودشان ندانند؛ امید به آنها است و این ممکن است. نگویند این کار، شدنی نیست؛ این کار شدنی است، این کار عملی است. دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد؛ ما جمعیت خوبی داریم، سرزمین‌های خوبی داریم، موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل بار بیاوریم، میتوانند آفرینش‌های هنرمندانه‌ی خودشان را در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌ی فناوری و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند.

جمهوری اسلامی یک نمونه است، یک منطقه‌ی آزمایش و یک آزمون است برای دنیای اسلام. ما قبل از اینکه اسلام بر این کشور حاکم بشود، یک ملت به تمام معنا عقب افتاده بودیم، وابسته بودیم؛ از لحاظ علمی عقب افتاده، از لحاظ سیاسی عقب افتاده، از لحاظ اجتماعی عقب افتاده، در دنیای سیاست منزوی. امروز پیشرفتهای جمهوری اسلامی، دشمنان ما را هم وادار به اعتراف کرده است؛ امروز تقریباً بعد از گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ما در رتبه‌ی علمی، در رتبه‌ی فناوری، در بسیاری از دانشهای نوین دنیا، در ردیف کشورهای پیشرفته قرار داریم. گزارشهایی که واقعیت و حقایق آنها اثبات شده است، به ما می‌گوید ما در یک جا رتبه‌ی هفتم هستیم، در یک جا رتبه‌ی ششم هستیم، در یک جا رتبه‌ی پنجم هستیم. ملت ایران به برکت اسلام توانست هویت خود و شخصیت خود



را نشان بدهد؛ این قابل تعمیم است؛ شرطش این است که سایه‌ی سنگین و شوم ابرقدرت‌ها بر سر کشورها نباشد؛ این شرط اول است؛ البته هزینه دارد و هیچ کار بزرگی بی‌هزینه نیست. من در این مجلس سنگین و مهم که شخصیت‌های مهم و بزرگی در این مجلس حضور دارند، می‌خواهم این را بگویم که امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه میتواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد.

ما بزور هیچ‌کس را به اسلام دعوت نمی‌کنیم؛ ما بزور هیچ‌کشوری را تحت سلطه‌ی دنیای اسلام قرار نمی‌دهیم؛ ما مثل اروپایی‌ها عمل نمی‌کنیم؛ ما مثل آمریکا عمل نمی‌کنیم. اروپایی‌ها راه افتادند از یک جزیره در کنار اقیانوس اطلس رفتند تا اقیانوس هند، یک کشور عظیم مثل هند را و همچنین چند کشور اطراف آن را بزور تصرف کردند و غارت کردند و خودشان ثروتمند شدند و آنها را به خاک سیاه نشانند؛ این‌جوری پیش رفتند. امروز هم همان کار را با روش‌های دیگر، با شیوه‌های دیگر دارند در دنیا انجام می‌دهند؛ با پول دیگران، با سرمایه‌ی دیگران، با ثروت دیگران، با محصول کار دیگران برای خودشان پیشرفت درست میکنند و ظاهر خودشان را آرایش می‌دهند؛ البته باطن دارد خراب میشود؛ باطنشان دارد میپوسد؛ همان‌طور که عرض کردیم دارند پوک و پوک‌تر میشوند. آنچه شما مسلمانها به دست بیاورید، دشمنان شما را ناخشنود خواهد کرد؛ آنچه بر شما مصیبت وارد بشود، آنها را خرسند و خوشحال خواهد کرد؛ *إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا*؛ (۵) این‌جوری هستند، این [کلام] قرآن است. ما باید نگاهمان به آنها نباشد و به دست آنها، به لبخند آنها، به اخم آنها نگاه نکنیم؛ راهمان را پیدا کنیم و حرکت کنیم و پیش برویم؛ این وظیفه‌ی ما و وظیفه‌ی همه در دنیای اسلام است.

یکی از ابزارهای دشمنان، ایجاد تفرقه است بین ما؛ من اصرار دارم بر این موضوع تکیه کنم و تأکید کنم. برادران، خواهران، مسلمانان دنیای اسلام، اگر این صدا به گوش شما خواهد رسید! آن روزی که کلمه‌ی سنی و شیعه در ادبیات آمریکایی‌ها پیدا شد، ما نگران شدیم؛ اهل نظر همه نگران شدند. سنی و شیعه به آمریکا چه ارتباط دارد؟ فلان سیاستمدار یهودی صهیونیست آمریکایی که جز شرارت علیه اسلام و مسلمین از او ممکن نیست سرریزند، چه کار دارد که بیاید بین سنی و شیعه در دنیای اسلام قضاوت بکند، راجع به سنی یک چیزی بگوید، راجع به شیعه یک چیزی بگوید؟ از وقتی ادبیات سنی و شیعه در کلمات آمریکایی‌ها ظهور پیدا کرد، اینجا کسانی که اهل فهم و دقت بودند نگران شدند؛ فهمیدند که یک کار جدید در شرف انجام است و تحقق پیدا کرد. ایجاد جنگ بین شیعه و سنی سابقه دارد؛ انگلیسی‌ها در این کار ماهرند. ما سوابق زیادی داریم و اطلاعات فراوانی داریم از گذشته‌ی ایجاد دعوا و اختلاف و کینه بین سنی و شیعه که به وسیله‌ی عوامل انگلیسی - چه در اینجا، چه در دولت عثمانی سابق، چه در کشورهای عربی - به وجود می‌آمد برای اینکه اینها را به جان هم بیندازند؛ لکن نقشه‌ای که امروز آمریکایی‌ها در این زمینه دارند، نقشه‌ی خطرناک‌تری است؛ آیا طرف‌داری از فرقه‌ای در مقابل فرقه‌ای دیگر در درون دنیای اسلام، ما را خوشحال میکند؟ اگر از ما طرف‌داری کردند، ما باید خرسند بشویم؟ نه، ما باید غصه‌دار بشویم، ببینیم چه نقطه‌یضعفی در ما دیده‌اند که میخواهند از آن نقطه‌ی ضعف استفاده کنند و ابراز طرف‌داری از ما میکنند.

اینها با اصل اسلام مخالفند؛ آنچه واقعیت قضیه است [همان است که] در ماجرای یازدهم سپتامبر آمریکا در نیویورک و آن قضیه‌ی انفجار برجها، رئیس‌جمهور وقت آمریکا گفت که جنگ صلیبی است؛ او راست گفت؛ او آدم بدی بود اما این حرفش حرف راستی بود: دعوی بین اسلام و استکبار. البته او گفت مسیحیت و [جنگ] صلیبی، اما دروغ میگفت؛ مسیحی‌ها در درون دنیای اسلام با امنیت کامل زندگی میکردند و امروز هم در کشور ما این‌جور



است، در بعضی کشورهای دیگر هم این جور است؛ مقصودش دعوی بین قدرت استکباری و قدرتهای مسلط عالم با اسلام بود؛ این درست بود؛ آن حرف حرف صادقانه‌ای بود. این آقایان فعلی حاکم بر آمریکا که میگویند ما با اسلام موافقیم، با فلان فرقه‌ی اسلامی مخالفیم، با فلان فرقه مخالفیم، دروغ میگویند؛ اینها نفاق می‌ورزند و ریاکاری میکنند؛ اینها هم با اصل اسلام مخالفند؛ و راه را در ایجاد دعوا و جنگ بین مسلمانها پیدا کردند.

یک روزی این اختلاف به عنوان پان‌ایرانیسم و پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم و از این قبیل چیزها مطرح میشد که خیلی کاربرد نداشت؛ امروز به نام مذهب میخواهند اختلاف ایجاد کنند و جوانها را به جان هم بیندازند. آن وقت نتیجه این میشود که فرقه‌های تروریستی مثل داعش و امثال اینها با پول وابستگان به آمریکا، با کمک سیاسی آمریکا، با همراهی هم‌پیمانان آمریکا تولد پیدا میکنند و امکان نشاط پیدا میکنند و این فجایع را در دنیای اسلام به وجود می‌آورند؛ نتیجه این میشود.

اینها دروغ میگویند اگر میگویند ما با شیعه مخالفیم، با سنی موافقیم؛ نخیر. آیا فلسطینی‌ها شیعه‌اند یا سنی‌اند؟ چرا با فلسطینی‌ها این قدر بدند؟ چرا جنایت نسبت به فلسطینی‌ها را مطلقاً مورد تعرض قرار نمیدهند؟ غزه چقدر کوبیده شد؟ سرزمین‌های کرانه‌ی باختری چقدر تحت فشار قرار گرفت و هم‌اکنون تحت فشار قرار دارد؟ آنها که شیعه نیستند، آنها سنی‌اند. برای آمریکایی‌ها مسئله مسئله‌ی شیعه و سنی نیست؛ هر مسلمانی که بخواهد با اسلام، با احکام اسلامی و قوانین اسلامی زندگی کند و برای آن مجاهدت کند و در راه آن حرکت کند، دشمن خود به حساب می‌آورند.

با یک سیاستمدار آمریکایی مصاحبه کردند؛ مصاحبه‌گر از او میپرسد که دشمن آمریکا کیست؟ او در جواب میگوید دشمن آمریکا تروریسم نیست، دشمن آمریکا مسلمانها هم نیستند، دشمن آمریکا «اسلام‌گرایی» است؛ اسلام‌گرایی. یعنی مسلمان تا وقتی بی‌تفاوت راهش را بیاید و برود و انگیزه‌ای نسبت به اسلام نداشته باشد، احساس دشمنی با او نمیکند؛ اما وقتی اسلام‌گرایی به میان آمد، پایبندی و تقید به اسلام و حاکمیت اسلام به میان آمد، پایه‌ریزی همان تمدن اسلامی وقتی به میان آمد، دشمنی‌ها شروع میشود؛ راست گفته، دشمن او اسلام‌گرایی است. لذا وقتی بیداری اسلامی در دنیای اسلام رخ میدهد، شما می‌بینید چقدر دستپاچه میشوند، تلاش میکنند، کار میکنند بلکه ضایعش کنند، بلکه نابودش کنند؛ یک جاهایی هم موفق میشوند. البته من به شما عرض بکنم که بیداری اسلامی نابود شدنی نیست؛ بیداری اسلامی ان‌شاءالله به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی به اهداف خود خواهد رسید.

هدف آنها ایجاد جنگ داخلی بین مسلمانها است و متأسفانه تا حدودی موفق شده‌اند. کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری دارند ویران میکنند - سوریه را ویران میکنند، یمن را ویران میکنند، لیبی را ویران میکنند - زیرساخت‌هایشان را از بین می‌برند، چرا؟ چرا ما تسلیم این توطئه بشویم؟ چرا آن چیزی که هدف آنها است، برای ما ناشناخته باقی بماند؟ بصیرت پیدا کنیم؛ اگر میخواهیم در این راه موفق بشویم، باید بصیرت پیدا کنیم. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرمود: **الَا وَ لَا یَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ**؛ (۶) باید بصیرت پیدا کرد، باید در این راه صبور بود. **وَ اِنْ تَصِیْرُوا وَ تَتَّقُوا لَا یَضُرُّکُمْ کِیْدُهُمْ شَیْئًا**؛ (۷) اگر با بصیرت حرکت کنیم و صبر کنیم و استقامت به خرج بدهیم اثری نمی‌بخشد؛ اما وقتی که ما هم مثل آنها حرف بزنیم، مثل آنها کار بکنیم، آن وقت نتیجه این میشود.



در بحرین مسلمانها را چرا این جور زیر فشار قرار میدهند؟ در نیجریه چرا [برای] آن شیخ مصلح تقریبی مؤمن ( ۸ ) این جور فاجعه آفرینی میکنند و حدود هزار نفر از مردم دوروبر او را به قتل میرسانند و شش فرزند او را در دو سال به شهادت میرسانند؟ چرا دنیای اسلام در مقابل این فجایع ساکت میماند؟ چرا دنیای اسلام بمباران شبانه روزی قریب به یک سال در یمن را تحمل میکند؟ نزدیک به یک سال است -ده ماه و اندکی است- که خانه‌ی مردم یمن، بیمارستانشان، مدرسه‌شان، جاده‌شان، افراد بی‌گناهشان، زن و مردشان زیر بمب‌ها هستند؛ چرا؟ این به نفع دنیای اسلام است؟ سوریه یک جور، عراق یک جور. اهداف آنها اهداف خطرناکی است، اهداف آنها در اتاقهای فکر -به قول خودشان- طراحی میشود؛ ما باید بیدار باشیم.

عرض کردم که امید و تکلیف و مسئولیت، متوجه به علمای اسلام و به روشنفکران راستین در دنیای اسلام است؛ باید با مردمشان حرف بزنند، با سیاستمدارانشان هم حرف بزنند -بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام وجدانهای بیداری دارند؛ این را ما از نزدیک تجربه کردیم- میتوانند نقش ایفا کنند. عرض من در این جلسه این است: ما از یادبود ولادت پیغمبر این بهره را ببریم که کاری را که اسلام در روز اوّل کرد که احیای دنیای مرده‌ی آن زمان بود، وجهی همّت خودمان قرار بدهیم؛ و این احتیاج دارد به عقل، به خردمندی، به تدبّر، به بصیرت، به شناخت دشمن؛ دشمن را بشناسیم، توطئه‌های دشمن را بشناسیم، فریب دشمن را نخوریم. خداوند متعال باید به ما کمک کند، ما را در صراط مستقیم خودش قرار بدهد و ثابت قدم بدارد. شاعر عرب درست گفته است که:

الدَّهْرُ يَقْظَانُ وَ الْأَحْدَاثُ لَمْ يَتَمَّ  
فَمَا رُقَادُكُمْ يَا أَفْضَلَ الْأَمَمِ ( ۹ )

وقتی که دنیای قدرت، دنیای زر و زور با همه‌ی امکانات خود متوجه شما است، شما حق ندارید چُرت بزنید، حق ندارید خواب بروید.

پروردگارا! ما را آن چنان که پسند اسلام و دنیا است، راهرو در این صراط مستقیم قرار بده.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی ( رئیس‌جمهور ) مطالبی بیان کرد.
- ۲) شرح نهج‌البلاغه‌ی ابن‌ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۳۴۰
- ۳) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۴؛ «... چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات میبخشد، آنان را اجابت کنید...»
- ۴) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۰؛ «... و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت میگردانیم [تا مردم پند گیرند]...»
- ۵) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰ «اگر به شما خوشی رسد، آنان را بدحال میکند؛ و اگر به شما گزندی رسد، بدان شاد میشوند؛...»
- ۶) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳
- ۷) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰؛ «... و اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمیرساند...»



دفتر مقام معظم رهبری  
www.leader.ir

---

۸) شیخ ابراهیم الزکزاکی  
۹) احمد شوقی، با اندکی اختلاف.